

نامه احمد صدر حاج سید جوادی خطاب به مردم ایران

به نام خداوند جان و خرد

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ملت شریف و ستمدیده ایران

چندی پیش از طریق پست قضایی، اخطاریه‌ای دریافت کردم مبنی بر آنکه شعبه دوم دادیاری شهید مقدس (اوین) اینجانب را ممنوع الخروج اعلام کرده است. از آنجا که در این اوضاع و احوال جسمی و روحی نه پای سفر دارم و نه دل دوری و غربت از وطن، در ابتدا قصد پاسخ گویی نداشتم اما عبارتی در ذیل مرقومه یاد شده آمده بود که نگارنده را وا داشت تا حدیث دل باز گوید و از آنجا که هم دادگاه صادر کننده رای و هم مسوولان قضایی و امنیتی مرتبط با چنین پرونده‌هایی را فاقد هرگونه صلاحیت قانونی و قضایی و اخلاقی دیدم و از آنجا که عملکرد خلاف قانون دادگاه‌های انقلاب اسلامی به ویژه در سالیان اخیر هیچ، تناسبی با حکم موکد الهی ندارد که مقرر می‌دارد امانات مردم را به ایشان باز گردانید و هنگامی که در میان ایشان به داوری پرداختید، عدالت را رعایت کنید (ان الله يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ - سوره نساء، آیه ۵۸) و به نظر می‌رسد که تمامیت خواهان حاکم هیچ نظری بر بازگرداندن حق حاکمیت ملت که عظیم‌ترین امانت در نزد ایشان است به صاحبان واقعی آن یعنی ملت ایران ندارند و هیچ عزم و اراده‌ای مبنی بر رعایت عدالت و انصاف در ایشان دیده نمی‌شود، چونان دفعات پیشین، روی سخنم را با ملت شریف و ستمدیده ایران قرار دادم.

در ذیل اخطاریه آمده بود که ظرف بیست روز امکان اعتراض به قرار صادره وجود دارد. سخنی موهن و مضحک‌تر از حکم قضایی ممنوع الخروجی یک پیرمرد ۹۶ ساله! واعجبا! وا اسفا! از این همه بی‌تقوایی پناه می‌برم به خدا!

در این سن و سال، درد و رنج شدید جسمانی ناشی از کهولت و رنج و اندوهی عظیم‌تر بر جانم سایه افکنده است از بابت آنکه انقلابی که در مدیریت آن نقش داشتیم به چه روزی و به دست چه میراث خورانی افتاده است. حاکمانی افتاده بر خوان ثروت این مملکت که بزرگ‌ترین چپاول‌ها و غارتگری‌های تاریخ بشریت و روسفیدی چنگیز و نادر را رقم زده‌اند و عزیزترین فرزندان این مرز و بوم را به جرم آزادی خواهی و مطالبه حقوق و حاکمیت ملت به حبس و بند کشیده‌اند. از این رو نه در ایام اخیر که در طی سالیان گذشته و بیش از ده سال است که

هرگز نه قصد مسافرت خارجی داشته‌ام و نه توان جسمی و روحی دوری و غربت از سرزمین و ملتی را که بیش از شش دهه از عمر خویش را در راستای آزادی و دموکراسی برای آنان صرف کرده‌ام.

صاحب این قلم با باور به آرمان‌های اصیل و تاریخی ملت ایران یعنی آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و پیشرفت مادی و اخلاقی کشور و ملت ایران و به عنوان فردی که افتخار همراهی و هم‌اندیشی با بزرگانی چون زنده یادان مهندس بازرگان، آیت الله طالقانی و دکتر سبحانی را دارد و پنجاه و یک سال در خدمت نهضت آزادی ایران و آرمان‌های آن بوده است در این سن و سال نه عزمی برای خروج از ایران دارد و نه بهانه و یا نیازی به این کار. ماموران امنیتی وزارت اطلاعات که این روزها گویی برای تامین امنیت ملی، تکلیفی جز پاییدن پیرمردی ۹۶ ساله ندارند، بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که توان حرکت تا چه حدی از اینجانب سلب شده و کهولت و بیماری تا چه مایه بر جسم و جان دردمند سایه افکنده است که اگر چنین نبود و اگر هنوز امکان راه رفتن و حرکت داشتم به جای آنکه در این سن و سال به فکر خروج از وطنم باشم، خود را مفتخر می‌داشتم به اخذ وکالت و دفاع از عزیزان دربند و ستم‌دیده‌ای چون خانم‌ها نسرين ستوده و نرگس محمدی. در برابر جفاکاری‌ها و سیاه‌بازی‌هایی که به نام دادگاه انقلاب بر ملت عزیز ما در طی تمام این سالیان روا شده و مادران را از فرزندان معصومشان جدا ساخته و بر مادری بیمار با دو فرزند خردسال چنین ستمی را روا داشته و یا احکام سنگین دیگر مانند حکم حبس ده ساله برای جوان نیک اندیش آقای مهندس عماد بهاور و سایر عزیزان، حکم خنده آور ممنوع‌الخروجی برای این پیر سالخورده ناتوان از حرکت، از هیچ اهمیتی برخوردار نیست که بخواهد نسبت به آن اعتراضی داشته باشد و از این رو، با عدم درج اعتراض حقوقی به قرار موهن قضایی صادره، حقارت روحی و اعتقادی صادرکنندگان این حکم شرم آور برای دستگاه و نظام قضایی را به ایشان باز می‌گردانم.

بیش از ۶۰ سال تلاش برای آزادی و دموکراسی و تحقق حقوق و حاکمیت ملت ایران، اینجانب را بی‌نیاز از گریز از وطنم می‌سازد اما، مهم‌ترین نگرانی‌هایم به عنوان یک ایرانی مسلمان مصدقی، گسترش خرافات، نادیده گرفتن منافع ملی و نقض فراگیر حقوق انسانی و سیاسی ملت ایران است و خفتن ابدی در این خاک و آرامش یافتن در سرزمین مادری، تنها آرزویی است که در سر دارم.

خاطر نشان می‌سازد که کسانی که در صدور چنین حکم بلاموضوع و لغوی نقش داشته‌اند یا جاهلند و یا عامل بیگانه که چنین هزینه‌هایی را به اعتبار و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل می‌کنند. اگر که جاهل‌اند، خداوند به داد این ملت برسد که سرنوشتشان به دست این افراد افتاده و اگر عامل‌اند و نفوذی بیگانه، باز هم خداوند به دادمان برسد و البته در چنین فرضی، مشکلات و عسرت مردم و هرج و مرجی که زندگی مردم را فراگرفته است به گونه‌ای دیگر قابل نبیین و توجیه خواهد بود. از این رو هشدار داده و اعلام می‌دارد که کسانی که انقلابی اصیل و مردمی را از پایه‌ها و مبانی آن به انحراف کشیدند و سال‌ها حقوق سیاسی و اقتصادی ملتی

بزرگ را نادیده گرفته و ضایع ساختند و حتی به حقوق و اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پایبندی نشان ندادند، تنها براندازان واقعی نظامی هستند که برآمده از انقلابی اصیل و مردمی با مطالبات آزادی، استقلال و حاکمیت ملت بود و هم اینان، بر هم زندگان امنیت ملی این مملکت بوده و سزاوار کیفر و پاسخ گویی اند. جا دارد که اینان نگران و هراسناک از شعله‌های خشم این ملت و آتش عدالتی باشند که در همین جهان فانی نیز دامن آنان را خواهد گرفت و به دنبال گریزگاهی برای روز مبادای خود باشند اما بدانند که در جهان کنونی که به مدد شیوه‌های اطلاع رسانی و تکنولوژی ماهواره و اینترنت و غیره به مثابه دهکده‌ای کوچک نورافشانی شده است، هیچ مامن و پناهگاهی نخواهند یافت و سرنوشت امثال قذافی و مبارک و اسد، گواهی صادق بر این مدعاست.

اعتراض این پدر پیر در شامگاه عمر نه به حکمی سست و بی‌پایه که تحت تاثیر دستگاه امنیتی صادر شده و بلکه اعتراض به انحرافات است که از اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پدید آمده است. برای این جسم فانی و دردمند، تمنایی در این دنیا نمانده است که به خاطر آن از باورهای خود کوتاه بیاید. ممنوع الخروجی که محلی ندارد حتی اعدام و حبس نیز نخواهد توانست مانع برآمدن صدای اعتراض و حضور و همراهی ما با هم میهنانمان باشد.

در خاتمه توصیه مجدانه و مسفقانه دارم که حاکمیت و حاکمان ایران دست از آزمودن آزموده‌ها بردارند و به اتخاذ تصمیم‌های عقلانی رجوع کنند و دریابند که تنها حامی واقعی هر حکومتی، مردم هستند و در برابر بحران‌های عظیم داخلی و بین‌المللی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و امنیتی، تنها حکومتی می‌تواند به مردم اتکا کند که در خصوص آنان مرتکب ستم و بی‌عدالتی نشده و آزادی‌ها و حقوق آنان را رعایت کرده باشد و یا به اصلاح خود در این راستا بپردازد. وگرنه تاریخ کم ندارد از مواردی که به گونه‌ای دیگر رقم خورده و بدیهی است که هیچ ملتی برای احقاق حقوق خود تا ابد منتظر نخواهد نشست.

والسلام علی من اتبع الهدی

احمد صدر حاج سید جوادی

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران

تیر ماه ۱۳۹۱ خورشیدی